

سالنامه

معارف جعفری



موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
واحد
نشریات

صندوق دست شماره ۸ ق

۸۰۰ ریال

سالنامه

معارف جعفری

مجموعه ای

از:

مقالات مذهبی، علمی، اجتماعی، اخلاقی و غیره

بقلم جمعی از دانشمندان

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»
قم } سال ۱۳۴۰ شمسی
۸۱ - ۱۳۸۰ قمری

بها } پیش از انتشار: ۵۰ ریال
پس از انتشار: ۸۰ ریال

چاپخانه علمیه - قم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توحید از نظر اسلام

« قل یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة
سواء بیننا و بینکم ان لا نعبد الا الله ولا
نشرك به شیئا ولا یتخذ بعضنا بعضا
ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا
اشهدوا باننا مسلمون » (آل عمران: ۶۴)
بگو ای اهل کتاب بر ترائید و بکلمه ای
که میان ما و شما یکسان است بگرائید
تا جز خدای را نپرستیم و باو هیچگونه
شرکی نورزیم و بعضی بعض دیگر را
پائین تر از مقام خداوند؛ ارباب نگیریم،
پس اگر روی گردانند بگو گواه
باشید که همان مائیم مسلم .

از همان وقتی که عقل فطری آدمی آماده دریافت حقیقت توحید
شد و از محکومیت کامل غرائز برتر گردید خداوند، پیمبران را بر
انگیخت تا بذرتوحید را در عقول بیفشانند و تحول و انقلابی در نفوس
بشر پدید آورند، این همان انقلاب و تحولی است که پیمبران از عقل

و باطن آغاز نمودند تا جهت فکر را بسوی مبدء یگانه قدرت و حیات بر گردانند. نهضت اخلاقی و اجتماعی پیمبران هم از آثار و نتایج همین انقلاب نفسانی است.

صبر و پایداری آنان برای ایجاد چنین انقلابی بود تا فکر انسان را که واژگون در شرک و محکوم غرائز بود بر گردانند و حاکم و مستقیمش بدارند؛ بدینجهت از آغاز دعوت تا آنگاه که چشم از دنیا می بستند همواره در همه حال و همه جای کلمه توحید را بر زبان داشتند و بآن دعوت می نمودند.

قرآن نوح را هنگام دعوت قوم سرسخت، موقع ساختن کشتی و بر فراز طوفان، ابراهیم را در میان غار و در صدخانه توحید، در حال نواختن تپ بر بیکر بتها، درون شعله های فروزان آتش، بالای پایه های کعبه و زیر آفتاب سوزان مکه؛ اسماعیل را در حال همکاری با پدر و در وقتی که گردنش زیر کارد تیز بود؛ اسحاق و یعقوب را در میان فرزندان و خویشان، و در بستر مرگ و حال احتضار؛ یوسف را در قعر چاه و زندان و بالای کرسی قدرت؛ موسی را در برابر فرعونیان و در بیابان «تیه»، عیسی را در شهرها و بیابانها در میان حواریین پلاس پوش و تا آخرین لحظه ای که میان مردم بود و خاتم پیمبران را در مکه و وادیهای اطراف آن و بیابانها و شهر یثرب و میدا نه های جنگ، همه ایشان و پیروانشان را در حال اعلام و دعوت بتوحید نشان میدهد.

بذر توحید را پیمبران گذشته در نفوس بشر افشاندند و باادله و براهین روشن آنرا آبیاری کردند و با تذکرات پی در پی و دستور باعمال

صالح برای رشد و نمو آن کوشیدند تا ریشه آن محکم گردد و شاخ و برگش برآید، ولی چون استعداد عموم برای فراگرفتن و رشد کامل این کلمه آماده نبود چنانکه باید و شاید جز در نفوس مردمی اندک و انگشت شمار نشو و نما نمود.

اسلام که مکمل و بشمر رسانندهٔ بذرهای فکری و عقیده ای پیمبران گذشته و آئین ایشانست کلمهٔ توحید را از هر جهت تکمیل نموده و از اینرو توحیدی که قرآن کریم بآن دعوت میکند منحصر باعتقاد قلبی نیست زیرا توحید در عقیده تا حدی فطری آدمی است - چنانکه قرآن در آیاتی چند این حقیقت را تذکر داده - بلکه دعوت قرآن بتوحید در عبادت و اراده است. فطرت همهٔ مردم گواهد است که مدبر و گردانندهٔ جهان و پدید آورندهٔ آن یکی است، آنچه پراکندگی و اختلاف پیش آورده مربوط بعبادت و اراده است که هر کس بوهم خود هر چه را مؤثر در زندگی دانست و بزرگش شمرد در برابر آن تعظیم میکند و مطیع فرمانش میشود و بند بند گیش را بگردن مینهد.

اسلام از جهت دعوت، نخست مردم را بفطرت همی خواند که بگوئید «لا اله الا الله» یعنی این را فطرت را اعلام نمائید و متذکر آن گردید. برای این دعوت در آغاز دلیل و برهان فلسفی نیاورد و تنها تذکرات فطری میداد تا ادراک فطری برانگیخته شود و تاریکی تقالید و اوهام را از درون بزداید، کلمهٔ «تعالوا» هم همین حقیقت را میرساند، یعنی از عادات و تقلیدهای که موجب اختلاف و پراکندگی شده و شما

را از حقیقت دور داشته برتر آئید و بسوی کلمه واحد ای که برای همه یکسانست یعنی فطرت همه آنرا پذیرا است و همه ادیان بسوی آن خوانده اند بگرائید تا همه باهم هم آهنگ شویم ، تفصیل و بیان آن کلمه را چنین نموده : « أن لا نعبد الا الله » « أن » تفسیری بیان و شرح کلمه واحد است یعنی عظمت و قدرتش چنان مشاعر و حواس آدمی را پر کند که از غیر او روی بگرداند و تنها باو روی آورد و فقط بند بندگی او را بگردن نهد .

پس از آن ، توحید در فعل و اراده تکوینی است که جز او مؤثری در جهان و نظام آن نداند « ولا نشرك به شیئاً » یعنی باو هیچگونه شرك نوزیم ، سپس توحید در حاکمیت و اراده تشریحی است تابعی از مردم بر بعضی حاکم و ارباب نباشند « ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله » یعنی هیچکس حق ندارد اراده فردی خود را بعنوان حاکمیت یا بصورت قانون بر مردم تحمیل نماید .

پس توحید اسلامی انقلاب و تحوُّلی است که از فطرت و ضمیر انسانی آغاز میگردد و نقطه مرکزی فطرت را بصورت نیروی فعالی در میآورد ، چنانکه همه استعداد های عقلی و نفسانی را برمی انگیزد . قدرت تفکر و جهان بینی در عقل ، فضائل اخلاقی در نفس ، و اعمال منظم و شایسته از اعضاء بدن همه دایره های نورانی و امواج توحید است که از مبداء وجدان و فطرت پدید میآید آنگاه روابط زندگی و نظام اجتماعی را فراهم میگرد و همه را بجنبش و حرکت انداخته با قانون عمومی تکامل و نظام کلی جهان هم آهنگ می سازد و افراد اجتماع را از سقوط و تلاشی نگه میدارد و بسوی

بقاء پیش میبرد. این حقیقت فلاح است که «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». حقیقت این کلمه اینست که از اعتراف بزبان و تأثیر در وجدان شروع شود آنگاه در مظاهر حیاتی تجلی نموده انسان را از بند بندگی شهوات و اوهام و اربابهای ساختگی برهاند. زیرا بتهای جاهلیت سایه های تاریکی از اوهام نفوس و اندیشه های تهی از نور توحید بود بندگی دیگران کردن و تن بقوانین و رسوم و عادات بشری دادن هم صورت دیگری از بت پرستی جاهلیت است

محیط اسلام محیط رستن و رستگاری از همه اینهاست، توحید اسلام، خلق را از تاریکی اوهام بسوی نور ایمان، و از ذلت بندگی بشر و زیر بار قوانین و عادات بشری رفتن بسوی عزت اسلام و بندگی آفریننده جهان پیش میبرد، چنانکه شرک و ولایت غیر خدا از نور فطرت باعماق تاریکیهای اوهام فرومیبرد «الله ولی الذین آمنوا یختر جهنم من الظلمات الی النور والذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یختر جونهم من النور الی الظلمات».

بنا بر این، توحید تنها یک عقیده قلبی و درونی نیست که انسان را در معابد متوقف سازد و در انجام وظایف عبادی در محیط مساجد نگه دارد، و تنها یک بحث فلسفی و کلامی نیست که چون بادلیل و برهان اثبات شد در گنجینه کتب بایگانی شود بلکه حقیقتی است که می باید در فکر و خلق و عمل تحولی پدید آرد و جهت سیر زندگی و خط مشی اجتماعی را بر گرداند و بنیانی نوین بر اساس حاکمیت خداوندی که جهان؛ ظهور اراده و حکومت مطلقه اوست بر پای دارد و انسان را از تنگنای غرائز پست (دنیا) حیوانی برهاند، و چشم انداز

فکرش را وسیع و شخصیتش را مستقل سازد .
 «زهره» فرمانده سپاه مسلمانان در جواب پرسش فرمانده سپاه
 ایران که پرسید برای چه بسرزمین ما روی آورده اید گفت : بعثنا
 لنخرج الایم من ذل الادیان الی عز الاسلام ومن ضیق الدنیا الی سعتها
 (ما برای آن برانگیخته شدیم که مردمان را از ذلت سایر کیشها بیرون
 آورده بعزت اسلام رسانیم و از تنگنای دنیا بفرخندگی کشانیم) .
 ابراز این حقیقت با کلمه «لااله الاالله» است که جمله «لااله»
 هر گونه پرستش و پناهندگی و اراده رانفی میکنند و «الاالله» همه آنها را
 برای معبود بحق اثبات مینماید . برافراشتن شمشیرها و تبرهای بت شکن
 و ویران کردن بتسکدهها ، و درهم ریختن بتها ، و سرنگون کردن کاخهای
 حکومت و قانون سازی بشری نماینده و فرمان قسمت اول ، و اجراء و انفاذ
 قوانین خدائی و بنای مساجد و تشکیل صفوف عبادت خدا فرمان و
 ظهور قسمت دوم است . شعار عمومی و جامع این حقیقت «الله اکبر»
 است که در حال قیام نماز باحرکت دودست اشاره پشت سر گذاردن
 هر قدرت و حاکمیت غیر حق و روی آوردن بحق است ، بانگ
 اذان و تکرار آن در مفاصل زمان و در صفوف نماز اعلام توحید در
 هدف تحول و حرکت و سیر بسوی خدا است (اگر گوینده و شنونده بسر
 این جمله پی برد و فرمان این رستاخیز را درک کند) .
 تاریخ گواه است که این بانگ توحید ، مردمی را از محیط جمود
 و وحشت زدگی و وهم پرستی و پراکندگی بیرون آورد و در
 صف واحد بسوی توحید پیش برد ، امروز از آنجائی که شعار توحید
 و اذان را تنها در محیط عبادت و برکنار از وظائف زندگی اعلام

میدارند آن اثر و خاصیت را ندارد بلکه بصورت فرمان عقب نشینی درآمده است! ...

اگر مسلمانان خودشان تجدید حیات نمایند و ندای توحید بمعنای کامل در دهند میتوانند دنیا را از خطرهای شرک و تبعات شوم ماده پرستی نجات دهند و نظامات واژگون بشری را بسوی حق و عدل مستقیم دارند.

آیا برای نجات بشر در آن دوره جاهلیت بت پرستی و در این عصر جاهلیت تمدن نمای ماده پرستی چاره ای جز این تحول توحیدی و تغییر خط سیر حیاتی میتوان یافت؟

در محیط جاهلیت پیش از اسلام سراسر دنیا گرفتار هر گونه هرج و مرج اعتقادی و اخلاقی و اقتصادی و غیره بود، چنگال طبقات حاکمه و سود پرستان تا استخوانهای توده های مردم فرو رفته بود و محیط زندگی عرب پستتر و بدتر از سایر محیطها بود، اگر آنروز طبق افکار امروزی مردم مقتدری برمیخواست و دسته و حزبی میساخت و قوانین اقتصادی و حقوقی تنظیم میکرد آیا میتوانست برای همیشه آن درد و رنجها و هرج و مرجها را علاج نماید و مردم را در فکر و هدف هم آهنگ سازد؟ و اگر چند روزی میتوانست کار مؤثری انجام دهد آیا اصلاحات ظاهریش برای همیشه یا مدت قابل ملاحظه ای می پائید؟! بطور قطع باید گفت: نه آنروز اینگونه اصلاحات سطحی و تغییر نامها و عنوانها میتوانست دردها و رنجهای فکری و اخلاقی و اجتماعی بشر را درمان نماید و نه امروز!

این انقلابات و خونریزیها و سرگرمیها بهمان اندازه تأثیر دارد که

بیماری از فشار دهنه، زیاد زنده یا بدود یا سربد یوار بکوبد یا مؤثر تر از همه داروی مسکنی بخورد! و روی همین اصل کسانی که نهدت میکنند و انقلاباتی بوجود میآورند و نامهایی برای آن میسازند هدف نهائیشان جستن و رها شدن از وضع ناهنجار فعلی و جلوگیری از تجدید اوضاع پیشین است ولی برای آینده، پیش بینی روشن و قانع کننده ای ندانند و در حقیقت اینگونه عناوین و روشهای اجتماعی جز عکس العمل وضع گذشته نیست.

بعضی چنین می پندارند که پیشرفت علم یا باصطلاح بالا آمدن سطح فرهنگ عمومی یا موعظ و سیر اخلاقی مردم را اصلاح مینماید و اجتماع را مقرون بصلاح و فلاح میسازد، غافل از اینکه انسان تا محکوم غرائز حیوانی است روی فکرش بطرف ماده یعنی یگانه وسیله شهوات است نه تغییر جای و محل کار افراد و طبقات میتواند دردش را علاج قطعی نماید و نه علم و نه اخلاق، زیرا تا این طرز فکر باقی است همه وسائل مادی و معنوی در راه اشباع غرائز و ربو دن حقوق دیگران بکار خواهد رفت این «طالقانی و زمانه ما»

اسلام با اینکه نظر خاصی بنظام اجتماعی و اقتصادی و چگونگی حکومت دارد و قوانین و دستورات خاصی در نظر گرفته است در عین حال در آغاز دعوت آنها را محط نظر قرار نداده و بطرح نقشه های اجتماعی و اقتصادی نپرداخت و همچنین در بدو امر بوعظ و بیان آثار خوب و بد خویشها و تقسیم اخلاق بر ذیلت و فضیلت همت نگماشت. رسول خدا ﷺ میتواند بنام قومیت و ملیت، عرب را برانگیزد و حکومتی تأسیس نماید و از این راه آنها را بصلاح و خیر وادارد،

ولی با تأیید وحی میدید که اصلاح فردی و اجتماعی می باید از حقیقت انسانیت و مبداء عقیده و فکر آغاز گردد، او بخوبی میدید که تا آدمی ارزش خود را نشناسد و خود را مسئول نداند همه چیز را از خود برتر و خود را در برابر هر وهم و سایه خیالی پستتر می بیند و برای رسیدن به هر سود و لذتی هر ناروائی را روا میدارد و در محیط تاریک حکومت غرائز و شهوات پیوسته بصورت های گوناگون بت میترشد و بت می پرستد، او یگانه علاج را همان کلمه توحید میدید تا در پر تو آن بعظمت خالق پی برند و بسوی اراده مطلق او گرایند و شخصیت خود را مستقل و جاویدان سازند.

تاریخ نشان داد که با این دعوت چنان استعداد های فکری و درونی مردمی را بر انگیخت و سطح اخلاق ایشان را بالا برد که نمونه هایی از جهان بینی و بلند همستی و شجاعت و عواطف عالی انسانی در سایه این حقیقت از میان ایشان بر خاست که هیچ مکتب تربیتی و اخلاقی در مدت های طولانی نتوانسته نشان دهد. همان مردمی که برای مال اندک یا کمترین تحریک عصبیت خون یکدیگر را می ریختند و در برابر سنگ و چوب کرنش میکردند در سایه تعالیم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که مبتنی بر توحید است بجائی رسیدند که ثروتها و جواهرات جهان در نظرشان با خاک یکسان شد و جز در برابر عظمت آفریدگار بزرگ سرفرو و دنیا وره نند، نه فشار اقتصادی و نه انبوه دشمن زبونشان می ساخت، و نه رنجها و مصیبتها ایشان را از پای در می آورد، و نه ثروت و پیروزی مغرورشان میکرد اینست آثار آن توحیدی که اسلام بآن دعوت میکند.

فہرست مندرجات

شمارہ صفحہ	نویسنده	موضوع	شمارہ ردیف
۳	جناب آقای سید محمد ورد طالقانی	توحید از نظر اسلام	۱
۱۲	یکی از علماء حوزه قم	شفاعت	۲
۲۵	جناب آقای طباطبائی	گوشه ای از قوانین جزائی اسلام	۳
۳۳	» » حاج میرزا خلیل کمره ای	جمعیت مبارزه با فساد	۴
۴۷	جناب آقای علی ایران پور	ارتباط مستقیم علم با ایمان بخدا	۵
۵۴	» » عطاء اللہ شہاب پور	اصول مشترک ادیان	۶
۶۰	» » لطف اللہ صافی	مصلح جهان	۷
۷۴	» » محمدی گیلانی	پاسخ شبہاتی از مادیین «طالقانی و زمستانہ»	۸
۹۱	» » حاج سراج انصاری	در اطراف مبارزه با فساد	۹
۱۰۱	» » سلطان الواعظین	مذہب حق کدام است؟	۱۰
۱۴۲	» » عمید زنجانی	صلح و جنگ	۱۱
۱۶۶	» » گرامی قمی	قضاوت در اسلام	۱۲
۱۸۳	» » لطف اللہ صافی	مجازات در اسلام	۱۳
۱۹۹	» » رشید پور تهرانی	دردهای اجتماعی	۱۴
۲۰۷	» » خسرو شاہی	زنک خطر	۱۵